

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش پنجاه و پنجم

۰۱ نوامبر ۲۰۱۴

۲- بسیج توده ها برای نو سازی کشور

نخستین تحولات اقتصادی و اجتماعی

البانی در جنگ، ویران شده بود و در چنین وضعی یکی از میرم ترین مسائل عبارت بود از نو سازی و عادی کردن مجموعه زندگی اقتصادی و فرهنگی کشور. این مسأله بدون وسائل بزرگ مادی قابل حل نبود و این سؤال در برابر حزب کمونیست البانی مطرح می شد که وسائل مذکور را از کجا بیاورد.

تکیه بر نیرو های داخلی

امپریالیست های امریکائی و انگلیس در صدد بر آمدند که از وضع اقتصادی دشوار البانی برای اغراض خویش استفاده کنند و شتافتند که به البانی «کمک» بدهند. حزب کمونیست البانی این «کمک» اسارت آور را به طور قطع رد کرد و در ساختمان کشور علی الاصول بر نیرو های داخلی و بر یاری برادرانه اتحاد شوروی و کشور های دموکراسی توده ئی تکیه زد.

حزب، مسأله نو سازی و رشد اقتصادی و فرهنگی کشور را به امری که مربوط به عموم خلق است بدل کرد. کارگران و دهقانان، روشنفکران و منجمله توده زنان، در همه جا دسته ها، قسمت ها، گردان ها و تیپ های کار داوطلبانه و رایگان تشکیل دادند. شور و شوق خارق العاده ای نسبت به کار در سراسر کشور به راه افتاد. اشخاص برای کمک به آسیب دیدگان جنگ از میزان خوراک خودشان کم می کردند. پول می دادند، غله می دادند، لباس می دادند و هر چیز دیگری که می توانست رنجیده ترین مصیبت دیدگان را تسکین بخشد. دولت با این معاونت ها و نیز با گندمی که از جانب اتحاد شوروی کمک داده شد، نان اهالی را تأمین کرد.

اهالی در شرایط بسیار دشوار و با وجود کمیابی عظیم وسائل فنی و کادر قبل از هر چیز فداکارانه به نوسازی جاده ها و پل های ویران و احیاء سریع ارتباطات پرداختند.

در ۱۹۴۵ بخشی از کارخانه ها، مراکز برق و معادن در اثر مساعی کارگران به کار افتاد. حزب کمونیست البانی دهقانان را بسیج کرد که به کشت زمین های قابل کشت بپردازند و خانه های سوخته و ویران شده را از نو بسازند، و این کار ها با یاری مهم دولت به انجام رسید. بنگاه های آموزشی و فرهنگی فعالیت خود را از سر گرفتند. مدارس جدید به ویژه در روستا ها گشوده شد. نبرد بزرگی برای امحای بیسوادی بزرگسالان در گرفت تا این میراث رنج آور گذشته از میان برداشته شود. آموزگاران سابق و هزاران نفر معلم جوان که در کلاس های خاص آموزش یافته بودند در مبارزه با بیسوادی شرکت جستند.

در نوسازی کشور، کمبود کادر های فنی در حرفه های مختلف کاملاً احساس می شد. به منظور رفع این کمبود کلاس هایی برای تربیت تکنیسین ها و ارتقاء تخصص کارگران افتتاح یافت.

جوانان سنگین ترین بار نوسازی را بر دوش گرفتند. پسران و دختران شهر و روستا نخستین کسانی بودند که به گردان های کار داوطلبانه پیوستند. آنها پیشاهنگ فعالیت نوسازی جاده ها، پل ها و خانه های سوخته و ویران شده بودند. آنها در رأس مبارزه برای آموزش فرهنگ قرار داشتند.

سرمایه داران در اثر سود های گزاف دوران جنگ توانسته بودند سرمایه های کلان، به خصوص به صورت طلا و ذخائر کالاها، به دست آورند. حکومت نوین کاملاً عادلانه و ضروری دانست که بخش مهمی از این سود ها را به دولت منتقل کند تا در رفع نیازمندی های خلق و نوسازی کشور به کار افتد. به این منظور قانونی که در جنوری ۱۹۴۵ به تصویب رسید مالیات فوق العاده تصادی بر عواید زمان جنگ بست. قانون مذکور همچنین مقرر می داشت که اموال هر یک از مشمولانی که از این مالیات طفره روند بدون تاوان ضبط خواهد شد. قانون مذکور ضمناً بر قدرت اقتصادی سرمایه داران ضربه می زد.

در کلیه نقاط، کمیسیون هایی برای تعیین عواید زمان جنگ و تشخیص نرخ مالیات به وجود آمد. این کمیسیون ها که مرکب از نمایندگان قدرت نوین، نمایندگان ارتش و سازمان های توده ئی بود تحت رهبری مستقیم سازمان های حزبی فعالیت می کرد.

بازرگانان، کارخانه داران و کلیه کسانی که مشمول این مالیات می شدند به هر دری زدند تا از آن بگریزند. طلاها و کالاهای خود را نهفتند. خواستند که اقدام دولت را «سلب مالکیت از خلق» بنمایانند، به هر وسیله ای توسل جستند تا ثروتی را که به زیان زحمتکشان گرد آورده بودند، حفظ کنند.

کمیته مرکزی به سازمان های حزبی دستور داد که به هیچ گذشتی تن در ندهند و مصرانه برای اجرای اکید قانون مبارزه کنند. زیرا که هر گونه گذشتی در این زمینه به حیثیت حکومت زیان می رسانید.

کمیسیون ها با پشتیبانی توده ها، بازرگانان و سایر سرمایه داران را به پرداخت مالیاتی که قانون پیش بینی می کرد مجبور ساختند. در ۱۹۴۵ مبالغی که از مالیات فوق العاده بر عواید زمان جنگ به دست آمد بیش از نیمی از درآمد کل بودجه دولت بود.

ثروت سرمایه دارانی که مالیات مقرر خویش را نپرداختند، مصادره شد. به این طریق دولت مقادیر زیادی کالاهای مختلف گرد آورد و بر اساس آنها فروشگاه های دولتی بر پا کرد. افتتاح فروشگاه های مذکور نشانه ظهور بخش سوسیالیستی دولتی در بازرگانی بود.

در همان موقع علاوه بر قانون مالیات فوق العاده عواید زمان جنگ، تدابیر انقلابی دیگری نیز اتخاذ شد. یکی از قوانین مقرر می داشت که خوار و بار و مصالحی که برای نوسازی ضرورت دارد، مصادره شود. کمیسیون های خاصی که

در کار خویش از توده مردم کمک می گرفتند به منظور پیدا کردن محتکران به وجود آمدند. سیستم تثبیت قیمت ها جانشین بازی با قیمت ها شد. نظارت بر قیمت ها به وسیله خود خلق سازمان داده شد و با احتکار و بازار سیاه شدیداً مبارزه در گرفت.

قدغن شد که بازرگانان خصوصی، غلات را به منظور فروش مجدد انبار کنند. انحصار دولت در مورد انبار کردن و فروش بر قرار گردید. قیمت های واحدی معین شد که دولت بر اساس آنها خرید و فروش ارزاق را عملی می ساخت. تورم که از اشغالگران بر جای مانده بود در اثر این که اسکناس های سابق از جریان خارج گشت تخفیف یافت و بر اسکناس های سابق که در جریان بود نظارت بر قرار شد. این اقدامات با برقراری نظارت دولتی بر بازرگانی خارجی تقویت شد، نظارتی که بعداً به انحصار دولت در بازرگانی خارجی انجامید. به این طریق مسأله مالی تا مدتی به سود احبای کشور حل شد، زندگی اقتصادی به صورت عادی در آمد، در حالی که مواضع بورژوازی تضعیف گردید.

ادامه دارد...